روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۴ مهر ۱۳۹۹ • ۲۷ صفر ۱۴۴۲ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۴۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷
اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

روزهای سخت و طاقت‌فرسای مأموریت‌های اورژانس با اوج‌گیری کرونا در قم. عکس: محمد محسن‌زاده، میزان

تجربه دیگران

پتودرکلاس

دیلی‌میل: به دانش‌آموزان آلمانی گفته شده که پتو به سر کلاس خود ببرند. قرار است هر ۲۰ دقیقه یک بار، پنجره کلاس‌ها باز شود تا هوا جریان داشته باشد و با توجه به سرمای هوا بهترین راه‌حل از نظر مسئولان آموزشی بردن پتو است. قرار است کودکان با خود لباس و دستکش گرم همراه داشته باشند. معلمان حداقل پنج دقیقه پنجره‌ها را باز می‌کنند. با آغاز مدارس، کلاس‌های درس در آلمان برقرار شده است اما به مدت ۴۵ دقیقه. قرار است در طول هر زنگ حداقل یک بار پنجره‌ها باید باز شود البته معلمان بابت اختلالی که این پنج دقیقه پیش می‌آورد و سروصدای بیرون و سرمای هوا نگران هستند اما راه‌حل دیگری به نظرشان رسیده است و آن پخش موسیقی در این مدت است. آنها قبل از شروع کلاس‌ها با کمک دانش‌آموزان موسیقی را انتخاب می‌کنند. البته مدارس می‌توانند از دستگاه‌های تصفیه هوا نیز استفاده کنند بدون اینکه اختلالی در طول تدریس پیش بیاید. اما به نظر می‌رسد بیشتر مدارس فرصت ندارند قبل از فرارسیدن زمستان، این دستگاه‌ها را نصب کنند. این دستگاه‌ها هزینه‌بر است در نتیجه پیش‌بینی شده است مدارس راهی جز بازکردن پنجره‌ها ندارند تا از تجمع ذرات ویروس جلوگیری شود. این دستور بر اساس تحقیقات جدید است که نشان می‌دهد ویروس کرونا می‌تواند در هوا معلق بماند، به نظر می‌رسد دیگر فقط برای انتقال ویروس نیاز به تماس نزدیک نیست.البته هاینز-پیتر میدینگر، رئیس انجمن معلمان آلمان، به دی‌ولت گفت که این اقدامات اساسا تیری در تاریکی است. هیچ‌کس به طور قطعی نمی‌داند که آیا این اقدامات مفید خواهد بود یا خیر؟

زندگی شاد و پرتلاش
با وجود
ام اس
بیماری ام اس ناتوانی نیست
Iran MS Society
انجمن مولتیپل اسکلروز ایران
ام اس
راه های همیاری با انجمن ام اس ایران:
*۷۳۳*۴*۲۲۲۳#
*۷۸۰*۲۲۲۳#
تلفن:
۶۶۹۵۱۱۸۷-۸
۶۶۹۵۳۹۰۷-۹

صاف و ساده

دیوار کوتاه شوراهای شهر و شهرداری

قادر باستانی
پژوهشگر ارتباطات و رسانه

روزی نیست که خبر دستگیری شهردار یا اعضای شورای شهر، به اتهام رانت‌خواری و فساد انتشار نیابد. تعداد بازداشتی‌های مدیران شهری، فقط در همین دوره پنجم به ۲۰۰ نفر رسیده است. برخی شادمانه تیتر زده‌اند که زایش رانت و فساد، از دموکراسی شوراها بوده! هرچه هست، فعلا دیواری کوتاه‌تر از شوراها نیست. هم رسانه‌ها به راحتی خبرش را با آب‌وتاب کار می‌کنند و هم دستگاه نظارت و دادگستری، برخورد قانونی می‌کنند.

شاید میزان همه سوءاستفاده‌هایی که سرجمع در شهرداری و شوراها کرده باشند، قابل قیاس با فساد فقط یک پرونده، مثل پرونده معاون اجرائی رئیس دفتر رئیس پیشین قوه قضائیه نباشد، ولی بوق و کرنای آن بلندتر است. معمولا انتشار اخبار دستگیری و محاکمه مدیران ارشد دولتی، قضات و مسئولان دادگستری، به‌راحتی اخبار فساد در شورا و شهرداری نیست و ما اطلاع درستی از حجم و میزان برخورد با آن موارد نداریم. پرونده‌های متعدد در دستگاه‌های نظارتی، بازرسی، حفاظتی و حراستی، نشانگر عزم جدی نظام برای برخورد با فساد است، اما خبرهای آن لابد بنا بر مصلحت و حفظ وجهه دولت و نظایر آن، کمتر مجال نشر در رسانه‌ها می‌یابند.

فساد بد است و دلیل فسادخیزی، ضعف جامعه مدنی است. وقتی حزب و سازمان مردم‌نهاد مستقل نداریم، آن وقت در بزنگاه انتخابات محلی، هرکه پولش بیش، رأیش بیشتر. اگر احزاب ملی و محلی قدرتمند داشته باشیم، برنامه هم داریم، نظارت هم داریم. ما دموکراسی و انتخابات را پذیرفته‌ایم، پس سازوکارهای آن را هم که تحزب واقعی است، باید بپذیریم. فساد در شورا و شهرداری، واقعیتی انکارناپذیر است، اما برجسته‌سازی آن، در قیاس با فساد در بخش‌های دیگر و بی‌اعتمادکردن مردم به نهاد شورا، انصاف نیست.

روبرت میخلز، جامعه‌شناس آلمانی در نظریه «قانون آهنین الیگارشی»، چنین استدلال می‌کند که زندگی اجتماعی را نمی‌توان بدون سازمان‌ها اداره کرد، اما همین که سازمانی به وجود آمد، عده‌ای اندک در رأس آن قرار گرفته و زمام امورش را در دست می‌گیرند و به این شکل الیگارشی به وجود می‌آید. در این چارچوب، باید دید که فساد در دیوان‌سالاری ما چقدر نهادینه شده است که حتی نمایندگان مردم در پارلمان محلی هم در این سیل بی‌محابا خیس می‌شوند و اتفاقا نهاد قدرت، همین‌ها را زیر تیغ می‌گیرد؛ درحالی‌که راه درست آن است که ریشه‌های فسادآور برای نهاد شورا را باید خشکاند، نه آنکه خود نهاد ناظر مردمی را به اسم مبارزه با فساد زد. این واقعیت تلخ وجود دارد که در طول تاریخ کشورمان، فساد اداری رایج بوده است. ادوارد براون می‌نویسد: در ایران، فساد مالی و پرداخت رشوه به‌حدی شایع بود که حتی به خود پادشاه هم رشوه می‌دادند! در نظام استبدادی پیش از مشروطیت، دیوان‌سالاری دولتی، در واقع دستگاهی استوار بر زور و ستم بود که در آن، شاهزادگان، امیران، خان‌ها و بزرگ‌مالکان، بیشتر مقام‌های بالای اداری را در اختیار داشتند. در دوره رضاشاه، در مقایسه با دوره قاجار، فساد اداری به‌دلیل ایجاد دولت مدرن و سخت‌گیری شخص پادشاه، محدودتر شد.

در همین دوره پهلوی اول، فساد اداری و رشوه‌خواری، غالبا در عدلیه و نظمیه و بلدیه، وجود داشته و مردم سعی می‌کردند کارشان به این سه نیفتد و اگر می‌افتاد، می‌دانستند که رشوه کارساز است. اکنون این فساد تاریخی، ریشه‌کن نشده، حتی شاید گزیده‌تر و بزرگ‌تر شده است، اما خبرهای بخش بلدیه را بیشتر علنی و عیان می‌کنند. اگرچه فساد در هر کجا بد است و اعتمادسوز، اما بدنام‌کردن شوراهای برخاسته از متن مردم و ربط‌دادن آن به ناکارآمدی نظام دموکراسی اجحاف است.

روزی که رئیس دولت اصلاحات، به‌جد بر اجرای قانون شوراها پای فشرد و با وجود ترشرویی ملامت‌گران و مخالفت برخی، درخت این نهاد مردم‌سالارانه را غرس کرد، همین انتظار می‌رفت که مخالفت‌های قدرتمندانه نگذارند این نهال ببالد و قد بکشد. علاقه تاریخی به تمرکز در قدرت، اجازه نمی‌داد به نمایندگان مردم فرصت نقش‌آفرینی جدی داده شود. دولت‌ها عموما دوست داشتند شوراها در همان محدوده نظافت و رفت و روب شهر و روستا فعالیت کنند و پای خود را از گلیم‌شان درازتر نکنند.

اما در کشورهای پیشرفته، پارلمان‌های شهری یا همان شوراها، قدرت مهم و اصلی را در اختیار دارند. شهردار هر شهر، بالاترین مقام آن شهر است. این وضعیت به مردم احساس قدرت می‌دهد؛ به همین دلیل خوب مالیات می‌دهند و در امور حکمرانی، خوب مشارکت می‌کنند. خواست مردم، ارجحیت اساسی دارد و سیاست‌پیشگان همه توان خود را معطوف به جلب نظر و رأی مردم می‌کنند. در این کشورها، چنین مناسبات منطقی‌ای، دستگاه حکومت را مستحکم و کارآمد کرده و مسئولان امر را به‌راستی پاسخ‌گو در قبال عملکرد خود کرده است. در کشور ما، محرمانگی اطلاعات مربوط به فساد اداری در بخش‌های مختلف خارج از شوراها و شهرداری، باعث شده فساد در این بخش بیشتر به چشم بیاید؛ گرچه از همین اخبار جسته‌وگریخته از فساد سه هزار میلیاردی و گم‌شدن دکل نفتی و نظایر آن، می‌توان حدس زد که رانت‌خواری و سوءاستفاده در شوراها و شهرداری، قابل قیاس با فساد دولتی نیست.

بنابراین مردمی‌بودن انقلاب اسلامی ایجاب می‌کند چنین بی‌محابا، نهاد شوراها را نزد مردم خراب و آلوده نشان ندهیم. به‌جای آن، هرچه می‌توانیم ضمن تقویت جدی جامعه مدنی و احزاب واقعی، مسئولیت‌های دولت را به شوراها واگذار کنیم. شوراها بسیار در دسترس مردم هستند و اعتمادکردن و سپردن قدرت به آنها، نظام اسلامی را در برابر خطرات سهمگین بیمه می‌کند. چه اشکالی دارد مثل کشورهای متمدن و پیشرفته، مسئولیت همه امور یک شهر، به‌جز سیاست خارجی و ارتش، دست شورای آن شهر باشد؟ جمهوریت نظام ایجاب می‌کند چنین آسوده‌خاطر، عرض و آبروی شورا و شهرداری را نبریم و کار مردم را به مردم بسپاریم؛ رستگاری ما در همین است.

زاویه دید

شغل یا نیاز؟

پرویز اجلالی
جامعه‌شناس

متأسفانه اشتباهی را کاربران ایرانی مرتب تکرار می‌کنند آن‌هم این است که فکر می‌کنند افرادی که زباله‌ها را به هم می‌زنند دنبال غذا در زباله‌ها می‌گردند! این‌طور نیست؛ این افراد داخل زباله‌ها دنبال ظروف پلاستیکی، شیشه‌ای، فلزی، کاغذی و سایر موادی می‌گردند که سازمان بازیافت شهرداری از آنها می‌خرد. این کار در واقع یک شغل است و تاریخ آن به وقتی برمی‌گردد که تفکیک زباله و کارخانه‌های بازیافت توسط شهرداری ایجاد شد. این کار در همه دنیا از دهه ۹۰ میلادی رواج یافته و اقدامی بود به نفع حفاظت از محیط زیست. در ایران هم حداقل در تهران شهرداری کوشید تفکیک زباله را از مبدأ شروع کند. اگر یادتان باشد ظروف آبی‌شکلی از جنس مقوا به خانه‌ها و ادارات می‌دادند همراه با جزواتی که در آنها توضیح می‌دادند زباله‌های کاغذی، پلاستیکی، فلزی و شیشه‌ای را جدا کنند و در آنها بریزند. این ظروف تا چند وقت پیش در ادارات بودند اما کسی گوش نداد؛ حتی در ادارات حاضر نمی‌شدند زباله را تفکیک کنند. بعد شهرداری در برخی مناطق دفاتری باز کرد که زباله بازیافتی را می‌خرید. یک راه‌حل این بود که شهرداری تشکیلاتی برای جداکردن زباله‌ها راه می‌انداخت اما این چندان اقتصادی و مفید نبود. پس به افرادی متکی شد که مواد قابل بازیافت را از درون زباله‌ها جدا می‌کنند و به مراکز گردآوری زباله‌های قابل بازیافت می‌برند؛ به این شکل برای بخشی از فقیرترین اقشار جامعه اشتغال ایجاد می‌شد؛ در ضمن کار تفکیک زباله هم انجام می‌شد. در سال‌های اخیر با گسترش فلاکت و فقر و بی‌کاری تعداد این افراد در برخی مناطق نزدیک به مراکز بازیافت زیاد شده است و معتادان و زنان و کودکان هم در میان ایشان دیده شده است. به‌هرحال هرجور درباره سیاست شهرداری فکر می‌کنید، یادتان باشد که اولا این افراد داخل زباله دنبال غذا نمی‌گردند بلکه این گربه‌ها هستند که زباله‌ها را در جست‌وجوی غذا به هم می‌زنند و ثانیا به این فکر کنید وقتی مردمی حاضر نیستند زباله‌های خود از خانه تفکیک کنند، شهرداری‌ها چه باید بکنند. شعاردادن آسان است، تحلیل درست مشکلات و جست‌وجوی راه‌حل اما سخت.

ایران در رسانه‌ها

موج سوم کرونا

● کرونا و کشتاری که در ایران به راه انداخته، سبب شده تا بسیاری از رسانه‌های جهان فارغ از اتفاقات ریز و درشتی نظیر افزایش قیمت دلار و طلا و مرگ یکی از اسطوره‌های هنر ایران به کرونا بپردازند و از آغاز موج سوم آن بنویسند. در این گزارش‌ها به تأثیر تحریم‌ها و خستگی کادر درمان اشاره شده است. مرکز تحقیقاتی چتم هاوس مقاله‌ای درباره وضعیت کنونی ایران به دلیل مشکلات خروج آمریکا از برجام منتشر کرده؛ در بخشی از این مقاله تحقیقی آمده است: «ایران هنوز به دلیل فعالیت‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای از نظر صادرات نفت و دسترسی به بازارهای مالی جهانی تحت فشار بوده و در نتیجه تورم در این کشور رو به افزایش است. این کشور درصدد است با تحریم‌های بین‌المللی مقابله کند. اگرچه برنامه جامع اقدام مشترک، معروف به توافق هسته‌ای، به ایران اجازه آزادی تجارت در جهان را داد، اما با خروج ایالات متحده از آن، تحریم‌های صنعت نفت و بانکداری ایران دوباره برقرار شد و تنش سیاسی با ایالات متحده به طور مداوم افزایش یافته است. اکثر ایرانیان از این شرایط رنج می‌برند، زیرا اقتصاد نمی‌تواند در کشوری که در بحران‌های مالی با بخش‌های بانکی جهان درگیر است، شکوفا شود». در این مقاله به نقش کم‌رنگ جامعه مدنی و گروه‌های طرفدار دموکراسی در ایران نیز اشاره شده است.

نیویورک‌تایمز در مقاله‌ای که از جانب هیئت تحریریه آن منتشر شده است، پیشنهاد داده تا با ایران مهربانی بیشتری انجام شود و ترامپ به خاطر شرایط کرونا تحریم‌ها را تعلیق کند. در این مقاله با اشاره به رفتار جورج بوش در زمان زلزله بم در سال ۲۰۰۳ و کاهش تحریم‌ها این درخواست را از ترامپ داشته است. البته در این مقاله که بازتاب چندانی در رسانه‌های ایران نداشت، به مسائل متعددی ازجمله رفتار بهتر ایران با زندانیان سیاسی ازجمله نسرین ستوده توجه شده است. در این مقاله با اشاره به وضعیت این زندانی سیاسی نوشته شده که بسیاری در سراسر جهان درباره وضعیت او نگران هستند و پیشنهاد شده که او می‌تواند تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرد و آزادی او نشان می‌دهد که مسئولان ایرانی می‌توانند بخشنده باشند و ایران نیز شایسته مهربانی است.

واقعیت این است که برخلاف آنچه مقامات آمریکا ادعا می‌کنند، شرکت‌هایی که اقلام ضروری ارسال می‌کنند نیز از معافیت‌ها برخوردار نیستند و روند استفاده از معافیت برای اقلام بهداشتی طولانی و زمان‌بر است و حتی اگر شرکت‌های فروش تجهیزات پزشکی آزاد باشند، امکان پرداخت هزینه آنها با مشکل روبه‌رو خواهد شد. همچنین به دلیل تحریم‌های بانکی آمریکا دسترسی به درآمد صادراتی کشورمان دشوار است.

گاردین نیز گزارشی از آغاز موج سوم کرونا در ایران منتشر و واقعیتی را که بسیاری از ما در گفتن آن تردید داریم، بیان کرده است.

در این مقاله آمده با افزایش تعداد کشته‌شدگان، اعتماد به دولت رو به کاهش است و در دو هفته گذشته بیشترین تعداد کشته‌شدگان از کرونا وجود داشته و بیشترین تعداد مبتلایان اعلام شده است. در این مقاله آمده است مقامات بهداشتی ایران صریحا اعتراف می‌کنند که ایران در موج سوم و بزرگ‌ترین موج بیماری قرار دارد. از نظر این مقاله شواهد نشان می‌دهد که تحریم‌ها اقتصاد را ضعیف کرده و بیمارستان‌ها گزارش می‌دهند که بخش‌های مراقبت‌های ویژه بسیار شلوغ است. در این مقاله به جریمه ۵۰هزارتومانی برای نزدن ماسک که این روزنامه آن را ۶٫۶ دلار تخمین زده، از سوی رئیس‌جمهور اشاره شده است. در این مقاله آمده «از آنجایی که حداقل دستمزد ماهانه کمتر از ۶۰ دلار است، این جریمه‌ها بی‌اهمیت نیستند، اما وزیر بهداشت، سعید نمکی، گفته که او می‌ترسد جریمه‌ها آن‌قدر بالا نباشند تا نقش بازدارنده ایفا کنند. هیچ‌کس نمی‌داند که آیا جریمه‌ها به شدت اعمال می‌شود یا خیر. البته مجرمان دو هفته فرصت دارند که جریمه‌ها را به حساب وزارت بهداشت پرداخت کنند». در این مقاله همچنین به ماجرای گرداندن مجرمان در سطح شهر که با واکنش بسیاری روبه‌رو شد و اختلاف مقامات در رسیدگی به بحران و خستگی بیش از اندازه کادر درمان اشاره شده است. این مقاله با تأکید بر پایان فعالیت دولت در تابستان آینده از سپرده‌شدن مسئولیت کنترل شیوع بیماری کووید۱۹ به مقامات استانی خبر می‌دهد.